

Stucco in Iranian architecture with a view to the decorations of the stucco inscriptions of the Pir Bakran monument

Sare Pour Sha'banian¹

Abstract

From the past until now, inscriptions have been considered as written documents in architecture. The existence of inscriptions with Quranic verses and divine names written on them has a unique place in religious architecture, especially mosques, religious and non-religious monuments. These living historical documents differ from each other in terms of time, place, and location in various buildings, as well as the materials used in their construction. The materials used in the inscriptions included, in addition to the background of formation, the decorations of the inscription. Plaster, as one of the ancient materials in Iranian architecture, has been widely used in the construction and decoration of inscriptions and all kinds of prominent geometric and Arabesque designs have been created with this material. By using plaster in various buildings and religious places, artists have displayed unparalleled brilliance and transparency in their religious masterpieces. Among the prominent monuments of Isfahan province, the Pir Bakran Monument, as one of the buildings of the Islamic Middle Ages, has prominent stucco inscription decorations. The present article is a theoretical research using a descriptive-analytical method and is based on written sources and studies from library sources and its goal is to find a perspective on the history of stucco in Iranian art and to re-read the text of the stucco inscriptions on the Pir Bakran monument in Isfahan.

Keywords: Inscription art, Pir Bakran monument, Decorations, Plastering.

The second year|

Number Five|

Autumn 2024|

1. Master of Archaeology, Bu Ali Sina University, Hamadan.
Sarehpourshabanian1997@gmail.com

زخرفة الجص في العمارة الإيرانية من خلال دراسة زخارف النقوش الجصية لموقع بير بكران^١

ساره پورشعابانيان^١

الخلاصة

منذ القَدَم وحتى الآن، كانت النقوش تعتبر بمثابة وثائق مكتوبة في الهندسة المعمارية. إن وجود النقوش التي تشكل الآيات القرآنية و لفظ الجلالة لها مكانة فريدة في العمارة الدينية، وخاصة في المساجد والمعالم الدينية وغير الدينية. وتختلف هذه الوثائق التاريخية الحيّة عن بعضها البعض من حيث الزمان والمكان وموقع وضعها في المباني المختلفة والمواد المستخدمة في بنائها. شملت المواد المستخدمة في النقوش، بالإضافة إلى السياق الذي استخدمت فيه زخارف النقش فإن الجص يعتبر من المواد القديمة في العمارة الإيرانية، وقد استخدم على نطاق واسع في بناء وتزيين النقوش، وتم إنشاء مجموعة متنوعة من الزخارف والتصاميم الهندسية والإسلامية باستخدام هذه المادة. ومن خلال استخدام الجص في مختلف المباني والأماكن الدينية فقد أظهر الفنانون تألقاً وشفافية لا مثيل لها في روائعهم الدينية المذهلة. ومن المعالم البارزة في محافظة أصفهان، موقع بير بكران، باعتباره أحد مباني العصور الوسطى الإسلامية، يتميز بزخارف متميزة من النقوش الجصية. تعتبر هذه المقالة بحثاً نظرياً بالمنهج الوصفي التحليلي، مدعومة بالمصادر المكتوبة والدراسات من مصادر مكتبية. يهدف هذا البحث إلى إيجاد رؤية حول تاريخ الجص في الفن الإيراني وإعادة قراءة نصوص النقوش الجصية على موقع بير بكران في أصفهان.

الكلمات المفتاحية: نقوش، بقعة بير بكران، زخارف، زخرفة الجص.



فصلنامه
علمی
مطالعات
بافتا و
امکان
متبرکه

١. حاصلة على درجة الماجستير في علم الآثار من جامعة بو علي سينا، همدان.

Sarehpourshabaniyan1997@gmail.com

گچبری در معماری ایرانی با نگرش بر تزیینات کتیبه‌های گچبری بقعه پیر بکران

مقاله پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۹

ساره پور شعبانیان^۱

چکیده

از گذشته تاکنون کتیبه‌ها، به عنوان اسناد مکتوب در معماری به شمار می‌آیند. وجود کتیبه‌ها با آیات قرآنی و اسما جلاله نگرش شده در آنها، در معماری مذهبی خصوصاً مساجد، بقعه‌های مذهبی و غیرمذهبی دارای جایگاهی منحصر بفرد می‌باشد. این اسناد زنده تاریخی برحسب زمان، مکان و موقعیت قرارگیری‌شان در بناهای گوناگون و مواد و مصالح بکار رفته در ساختشان تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. مصالح بکار رفته در کتیبه‌ها علاوه بر زمینه شکل‌گیری تزیینات کتیبه را نیز در بر می‌گرفت. عنصر گچ به عنوان یکی از مصالح کهن در معماری ایرانی، در ساخت و تزیین کتیبه‌ها کاربرد گسترده‌ای داشته است، و انواع نقوش و طرح‌های شاخص هندسی و اسلیمی با این ماده ایجاد شده است. هنرمندان، با بهره‌گیری از ماده گچ در بناهای مختلف و اماکن مذهبی درخشش و شفافیت بی‌بدیلی را در شاهکارهای خیره‌کننده مذهبی خود به نمایش گذاشته‌اند. از میان بقعه‌های شاخص استان اصفهان، بقعه پیر بکران به عنوان یکی از بناهای قرون میانه اسلامی، دارای تزیینات کتیبه‌نگاری شاخص گچبری شده است. نوشتار حاضر، پژوهشی نظری به شیوه توصیفی - تحلیلی و مستند به منابع مکتوب و مطالعات حاصل از منابع کتابخانه‌ای است و هدف آن یافتن دیدگاهی از پیشینه گچبری در هنر ایران و بازخوانش متن کتیبه‌های گچبری بر بقعه پیر بکران در اصفهان است.

کلیدواژه‌ها: کتیبه نگاری، بقعه پیر بکران، تزیینات، گچبری.

۱. مقدمه

در گستره وسیع تحولات هنر و معماری ایران در طول دوران اسلامی؛ همواره هنرمندان با به کارگیری آرایه‌های تزئینی در لایه‌های عمیق هنر خود به دنبال نشان دادن تفکر دینی، توحید و تقرب به جایگاه خداوندی بوده‌اند. یکی از هنرهای کهن ایرانی که در خدمت معماری اسلامی کاربرد گسترده‌ای دارا می‌باشد، هنر گچبری است.

تکنیک‌های گچبری در معماری پیش از اسلام با اسلوب روشمند و پیشرفته در ساخت و تزئین بنا بکار می‌رفته و در طی دوران اسلامی این تکنیک‌ها همچنان در بناهای مسکونی، باغ‌ها، کاخ‌ها و مذهبی اعم از مساجد و مقابر بکار رفته است و کاربرد آن در بقاع مذهبی و غیرمذهبی در طول تاریخ فراوان است.

بقعه شیخ محمد بن بکران یکی از بیشمار بقاع ارزشمند می‌باشد که به جهت تجلیل و تکریم از مقامش، باشکوه خاصی در قرون میانه اسلامی ساخته و تزئین شده است. آرایه‌های گچبری گستره وسیعی از تزئینات را در این بنا به خود اختصاص داده است. علاوه بر تزئینات گچبری در سطوح دیوارها، آزاره‌ها و محراب؛ کتیبه‌های بنا با مضامین آیات الهی، تاریخ وفات شیخ و ذکر اسما ائمه بر زمینه گچبری نقش بسته است.

۲. پیشینه پژوهش

منابع مطالعاتی بر مبنای موضوع پژوهش شامل کتاب‌های مربوط به معماری اسلامی است که تاریخچه و تکنیک‌های معماری و تزئینات به‌خصوص گچبری و آیین‌کاری را مطرح نمودند همانند؛ یوپ (۱۳۸۵)، پیرنیا (۱۳۸۶)، هنرفر (۱۳۴۶)، نراقی (۱۳۴۸)، سمسار و ذکا (۱۳۶۷)، بلخاری (۱۳۹۲) است، مقاله حاضر سعی دارد با مطالعه جامع‌تر تکنیک گچ و آیینه؛ را از منظر تاریخی - هنری در معماری بقاع متبرکه بیان نماید.

۳. روش پژوهش

مطالعات کتابخانه‌ای با محوریت مطالعه اسناد مکتوب، کتاب‌ها و مقالات دید جامعی نسبت به طرح پژوهش و یافته‌های پیشین در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد؛ بر این مبنا نوشتار مذکور، پژوهشی نظری با رویکردی تاریخی، به شیوه توصیفی - تحلیلی و مستند به منابع مکتوب حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای است و هدف آن بررسی تکنیک آیینه‌کاری بر روی گچبری است.

۴. پیشینه کاربرد گچ در معماری ایرانی - اسلامی

شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهند که قدیمی‌ترین کاربرد گچ در معماری ایران به صورت لایه اندود بوده است. از نمونه‌های کهن می‌توان به مقابر پادشاهان عیلامی در اطراف «زیگورات چغازنبیل» و محوطه «هفت‌تپه» و «تپه گاورا» اشاره نمود. در عصر هخامنشی، نمونه‌های اندکی از

گچ در قسمت‌هایی از تخت‌جمشید به دست آمده است، در کف بعضی از کاخ‌های تخت‌جمشید که مخلوطی از گچ و شن و سنگ‌ریزه به شکل بتن ساخته شده است. در تالار خزانه نیز مقدار زیادی گچ در حفاری‌ها به دست آمده که به احتمال زیاد به صورت اندود گچ رنگین بر روی ستون‌های چوبی به کار رفته است. همچنین کتیبه‌ای گچی به شکل مقعر در کاخ داریوش یافت شده است (پرادا، ۲۵۳۷: ۲۲۳). هنر گچبری در عصر اشکانی و ساسانی از اسلوب ویژه برخوردار بوده است. در این دوره دیوارهای ضخیم ابنیه با گچ اندود شده و از خصوصیات تزیین آن‌ها، نقش‌های برجسته بزرگ بود که جدا از طرح‌های گل‌دار شامل تصاویر حیوانی و انسانی نیز می‌گردید. گچبری در دوره ساسانیان یکی از معتبرترین و تأثیرگذارترین هنرهای این عهد است و نمونه‌های به کمال رسیده‌ای از آثار گچبری ارائه شده‌اند که شامل طرح‌های گیاهی از جمله ساقه، برگ مو و خوشه انگور می‌باشد (انصاری، ۱۳۶۶: ۳۲۲). کاخ‌های ساسانیان اغلب با سنگ و ملات گچ ساخته شده‌اند که با گچبری عالی، موزاییکی، نقاشی تزیین شده‌اند. گچبری دیوارها بخش‌هایی است که بیشترین تزیینات را به خود اختصاص داده‌اند. هنرمندان این فن با حفظ قواعد کلی، هم ردیف حجاری‌های هخامنشی، شاهکارهای عهد خود را در آثار گچبری نمایان ساخته‌اند، به این شکل که با به کمال رساندن تکنیک، مواد و نقوش گچبری‌های دوران قبل به ابداع انواع طرح‌های گچبری دست یافتند (انصاری، ۱۳۶۶: ۳۲۵). با ظهور دین اسلام و شکل‌گیری هنر اسلامی، هنرمندان اسلامی با اقتباس از آثار تمدن کهن ایران و بیزانس، پرداختند. مهم‌ترین بنای باقی‌مانده با تزیینات گچبری از اوایل دوران اسلامی مسجد عتیق شیراز است که به‌جامانده از آثار دوره صفاریان است، مسجد جامع نائین با تزیینات گچبری زیبا یادگار دیگری از دوره آل بویه می‌باشد (پوپ، ۱۳۸۲: ۸۰). دیوار قبله اولیه مسجد جامع اصفهان غنی از گچبری قالبی بوده و اثر گچبری‌ها به روی فرورفتگی‌های محراب نیز دیده می‌شود. پژوهشگران این گچبری‌ها را متعلق به قرن دوم هجری می‌دانند، گچبری‌هایی نیز بر روی دیواره مقصوره از زیر اندود گچی یافت شده است که مشابه تزیینات سبک سامرا هستند (گالدیری، ۱۳۷۰: ۲۲).

سبک سامرا با الهام از گچبری دوران پیش از اسلام ایران به سه صورت در تزیینات بناهای دوران عباسیان اجرا می‌شده است:

- ۱- به صورت قالبی با طرح‌هایی از جمله برگ مو و گل‌های به هم چسبیده در فضایی مستطیل شکل یا چند ضلعی که در آن از شاخه‌ها اثری نیست. آن‌ها که در چند ضلعی‌ها محصور شده‌اند، در وهله اول به صورت طرح‌های هندسی به نظر می‌آیند. جزئیات داخل شکل‌های هندسی عبارت از برگ‌های خرما و گل باز شده برجسته است. ریشه این طرح‌ها به دوران قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد که در سرتاسر حوضه شرقی مدیترانه رواج داشت.
- ۲- شبیه به سبک اول است، حالت طبیعت‌گرایانه دارد و منشأ گیاهی آن مشخص است. خطوط اصلی آن (با اشکال تقریباً انتزاعی) با موتیف‌های برگ مو، خوشه‌های انگور، گل باز و پالم‌های استلیزه شده و کنده‌کاری با برجستگی زیاد که در تمامی دوره‌ها کاربرد داشته، پوشیده شده‌اند، خصوصاً در ایران این گونه تزیینات گچی به وفور وجود دارد.
- ۳- این سبک دارای تکنیکی جدیدتر و قالب‌بندی شده است که با طرح‌های مختلفی اجرا شده و طرح‌ها برجستگی کم دارند، کناره‌های طرح به طور مورب با سطح برخورد کرده (پخ‌کاری شده)



و تقریباً محو شده‌اند که گاهی به نام کنده‌کاری پشت ماهی شناخته می‌شوند، در این نوع جزئیات به علت عمق کم تحت تاثیر نور و سایه نبوده و حالت تزیینی طرح به سادگی ارائه شده است. ویژگی دیگر این سبک تقارن در محور عمودی است (اتینگهاوزن-گراپر، ۱۳۸۳: ۱۰۸-۱۱۲). قرن هشتم هجری؛ سلطنت ایلخانان مسلمان مغول در ایران مقرر است با عهد گچ یا قرن گچ زیرا در تزیینات باقی مانده این دوره همه جا غلبه با ماده گچ است و استادان هنرمند این دوره در مساجد و بقاع و آثار دیگر برجای مانده آن زمان با گچ آثار بدیع و دلپذیری خلق کرده‌اند که موجب اعجاب و تحسین است و یقیناً شهر اصفهان بهترین آثار گچ‌بری این دوره را در آثاری مانند مسجد اولجایتو در مسجد اصفهان و بقعه پیربکران و مسجد اشترکان در بر دارد (هنرفر، ۱۳۴۷: ۳۸) در عصر صفویه کاخ‌های پادشاهان و منازل وزرا و اعیان و مدارس و مقابر این دوره با هنر گچ‌بری آراسته شده است. در مسجد علی که در اصل بنائی سلجوقی است و در دوره شاه اسماعیل اول تجدید ساختمان شده در داخل گنبد و اطراف صحن آن قطار بندی‌های زیبای گچی به چشم می‌خورد. عمارت عالی‌قاپو در ضلع غربی میدان نقش جهان که کاخ سلطنتی و محل پذیرائی‌های رسمی شاه‌عباس کبیر بوده است سرشار از تزیینات گچ‌بری و مینیاتور است و طبقه ششم این عمارت با آرایش‌های گچ‌بری به شکل انواع جام و صراحی تزیین شده است (هنرفر، ۱۳۴۷: ۴۲-۴۵). شاردن سیاح معروف فرانسوی درباره تزیینات بناهای عهد صفویه در خصوص مسجد امام عنوان می‌کند؛ در زیر این مسجد عظیم شبستان‌هایی است که با ظرافت تمام سنگ‌فرش شده و دیوارها و سقف آنها با کاشی‌کاری‌ها و گچ‌بری‌های جالب تزیین یافته است (شاردن، ۱۳۷۵: ۴). وی همچنین از منازل وزرا و اعیان و رجال سیاسی و مذهبی این دوره که با انواع تزیینات گچ‌بری و نقاشی و آئینه‌کاری تزیین شده بوده صحبت نموده است. جدار خارجی اتاق‌ها و خانه‌ها نسبتاً ساده و فاقد تزیین می‌باشد، اما جدار داخلی اتاق‌ها غالباً با گچ سفید شده و بعضی نیز دارای گچ‌بری‌ها و تزیینات زیباست (شاردن، ۱۳۷۵: ۵، ۱۷۶۷).

۵. تزیینات گچ‌بری در ابنیه شاخص اصفهان

مسجد جامع نائین اواسط قرن چهارم هجری؛ دارای تزیینات گچ‌بری به شکل نقوش گل و بوته و خطوط کوفی در شبستان اصلی است. گنبد تاج‌الملک در شمال مسجد جامع اصفهان از دوره پادشاهی ملک‌شاه سلجوقی از اواخر قرن پنجم هجری مزین به تزیینات گچ‌بری در داخل فضای گنبد است. گنبد نظام‌الملک از اوایل قرن ششم هجری در مسجد جامع اصفهان؛ دارای تزیینات گچ‌بری در حاشیه‌های فوقانی چهلستون غربی است، همچنین از الحاقات دوره صفوی آرایش‌های گچی در داخل گنبد نظام‌الملک می‌باشد. مسجد پامنار زواره نیمه دوم قرن پنجم هجری؛ دارای تزیینات گچ‌بری در فضای داخل مسجد می‌باشد. محراب مسجد برسیان از آخر قرن پنجم هجری؛ با آرایش‌های گچ‌بری مزین شده است. شاه‌نشین ایوان درویش در مسجد جامع اصفهان از اوایل قرن ششم هجری؛ دارای تزیینات و آرایش‌های گچ‌بری است (هنرفر، ۱۳۴۷: ۳۸-۴۲). علاوه بر تزیینات گچ‌بری در فضای داخلی مساجد؛ کتیبه نگاری بر بدنه مناره‌ها، آرامگاه‌ها و تزیینات محراب در مساجد نیز با گچ‌بری جلوه‌گر شده است. مسجد کوچه میر نطنز؛ از بناهای قدیم این مسجد کوچک

اثر تاریخی مهمی باقی مانده است فقط محراب گچبری گران بهائی است که با وجود خرابی‌ها و تغییر و تصرفاتی که به عنوان مرمت در آن به عمل آمده باز هم نمونه اصیلی از محراب‌های گچبری دوره سلجوقی و مغول بشمار می‌رود (نراقی، ۱۳۴۷: ۶۰)

مناره چهل دختران از ابتدای قرن ششم هجری؛ دارای کتیبه ثلث در قسمت فوقانی قاعده خود می‌باشد. آرامگاه الراشد بالله خلیفه عباسی در جی اصفهان از نیمه اول قرن ششم هجری دارای کتیبه گچی در گنبد بقعه می‌باشد. مسجد جامع اردستان، مسجد جامع زواره نمونه‌های درخشان از هنر گچبری را در تزیینات کتیبه‌نگاری خود دارد. محراب عالی گچبری مسجد جامع اصفهان از دوره سلطنت سلطان محمد اولجایتو که به وسیله وزیر دانشمند او سعدالدین محمد ساوجی در سال ۷۱۰ هجری بنا شده است. تزیینات محراب و آرایش‌های گچی دیوارهای مسجد هفشویه در اصفهان از قرن هشتم هجری از دیگر نمونه‌های شاخص است. آرایش‌های گچبری در ایوان شرقی مسجد جامع اصفهان (ایوان شاگرد) از قرن ششم و هشتم هجری و تزیینات فراوان گچبری در بقعه پیربکران نمونه‌های شایان توجه دیگری هستند (هنرفر، ۱۳۴۷: ۳۸-۴۲).

۶. مقبره پیر بکران

در حدود سی کیلومتری جنوب اصفهان و در قریه‌ای که بر محل لنجان قدیم ساخته شده قرار دارد آرامگاهی با نام مقبره پیر بکران وجود دارد. هرتسفلد در کتاب تاریخ باستان‌شناسی ایران درباره این بنا چنین می‌نویسد: «در سال ۱۹۲۳ در لنجان واقع در نزدیکی اصفهان اثر دیگری از ملکه «سوزان» پیدا کردم. نام جدیدی که برای این بنا معمول شده به مناسبت وجود مزار وسیع یک صوفی که در آنجا زندگی می‌کرده و به سال ۱۳۰۷ هجری قمری در همان جا فوت کرده پیر بکران است، ولی هنوز هم به استرخاتون، همان نامی که در همدان گفته می‌شود شهرت دارد بنایی که برای صوفی ساخته شده تقلید با شکوهی است از طاق کسری در کف بنا قطعه سنگ بزرگی را نشان دادند که اثر پای اسبی بر آن بود و گویا الیاس پیامبر از این محل به جنت رفته است. احتمالاً این تخته سنگ به آن جهت ساخته شده که برای جایگزین شدن تخته سنگ معبد اورشلیم باشد، ولی صوفی مذکور این معبد یهودی را غصب کرده است.» (هرتسفلد، ۱۳۵۴: ۱۷۷). هنرفر در مقاله تزیینات گچی در آثار تاریخی اصفهان؛ موقعیت جغرافیایی بقعه پیربکران را در فاصله سی کیلومتری جنوب غربی اصفهان در دهکده پیربکران از دهات ناحیه لنجان می‌داند. پیربکران که نام او محمد بوده است از رجال مشهور و از مدرسین و زهاد و عرفای این محل در قرن هفتم هجری بوده است که در ابتدای قرن هشتم وفات کرده و در محل بنای فعلی بقعه که احتمالاً محل تدریس او هم بوده به خاک سپرده شده است و آرامگاه او را از لحاظ تجلیل مقام علمی و مذهبی او با انواع گچ‌بری و کاشی‌های فیروزه‌ای و لاجوردی رنگ تزیین نموده‌اند (هنرفر، ۱۳۴۷: ۴۰).

در حقیقت آن گونه که نقشه نشان می‌دهد، مزار صوفی به اتفاق گنبد داری که مقدم بر آن قرار گرفته تکیه زده است. به نظر می‌رسد که پیربکران عادت داشته که در این اتاق به تدریس پردازد. هنگامی که یکی از شاگردانش ایوان وسیع را برای او ساخت تا به راحتی به تدریس مشغول شود او صفه‌ای را که در دیوار شرقی بنا قرار دارد برای این کار در نظر گرفت و به صورت معمول در آنجا مستقر



می‌شد، این چیزی است که از کتیبه‌ای که پس از مرگش در این صفا رقم زده شده بر می‌آید: «هذه الصفة المباركة الشيخ المشايخ المسلمين قدوة ارباب المحققين محمد بن بکران قدس الله روح العزيز سنة اثني عشره وسبعمائه» (گدار، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۱۷)

هنگامی که پیر بکران در سیزدهم ربیع الأول سال (۷۰۳ هجری قمری) در گذشت، او را در ایوانی که در آن تدریس می‌کرد به خاک سپردند. دیوار مشبکی ایوان را محصور کرد و به این طریق ایوان تبدیل به مقبره شد دیواری مزین به محراب گچبری بسیار زیبا بنا را مسدود کرد. سپس تالاری کوچک با سردری زیبا که در حکم سرسرای بنا است به آن اضافه شد. بر یکی از دیوارهای مقبره که به این ترتیب شکل گرفت کتیبه ذیل دیده می‌شود:

«هذا الروضة المقدسة الشيخ المشايخ المسلمين قدوة ارباب المحققين محي معالم الشريعة كاشف أسرار الحقيقة واقف بآثار الألوهية حجة الحق على الخلق محمد بن بکران نورالله قبره في سنة ثالث وسبع مائة» (گدار، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۱۹)

به روی خود قبر چنین آمده است:

«هذه الروضة المقدسة المباركة لشيخ المشايخ المسلمين و قدوة ارباب المحققين محيي معالم الشريعة معظم معالم الطريقة كاشف اسرار الحقيقة حجة الحق علي الخلق هادي الخلق الي الحق العارف باسرار الربوبية الواقف بآثار الألوهية محمد بن بکران جعلها الله روضه من رياض الجنة له في ليلة الثلاثاء عاشر شهر ربيع الاول سنة ثلث و سبعمائه عمل سراج». نام استاد هنرمند گچ‌بر این بقعه در پایان کتیبه‌های قرآنی بر دیوار غربی ایوان و در پایان کتیبه بزرگ نواری شکل به شرح زیر ذکر شده است: «محمد شاه نقاش» (هنرفر، ۱۳۴۷: ۴۰). کتیبه روی در ورودی سرسرای کوچک دقیقاً می‌رساند که در همان سال درگذشت پیر بکران، ایوان تبدیل به آرامگاه او شده است: «هذا العمارة المباركة الشيخ المشايخ المسلمين محمد بن بکران في سنة ثلث وسبعمائه». با این همه کار تزیینات بنا ظاهراً در سال ۷۱۲ هجری قمری یعنی تاریخ مذکور در کتیبه صفا به انجام رسیده است (گدار، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۲۳)

۷. معماری بقعه پیر بکران

بنای آرامگاه پیر بکران از مشایخ و مدرسین و زهاد مشهور ناحیه لنجان شامل سه بخش اصلی است: بخش اول؛ رواق بقعه که از کوچه مجاور آن به صحن بقعه منتهی می‌شود. بخش دوم؛ صحن بقعه که دارای سقف بلندی است و در اطراف آن، ایوانچه‌ها و غلام گردش‌هایی واقع شده و دیوارهای هر چهار جانب آن و نیز پوشش طاق ایوان با خطوط کوفی و بنایی و شاخ برگ و گل و بوته گچبری شده است. بخش سوم؛ مقبره پیر بکران که در ضلع شمالی بقعه و متصل به طاق محفوظی که ظاهراً محل تدریس محمد بن بکران بوده، قرار دارد و اطراف و جوانب آن با گچبری تزیین شده است.

طرح ساختمان بقعه مرکب است از یک ایوان طاقدار که در مقابل اتاق گنبدداری در شمال شرقی ساخته شده است و راهرویی با زوایایی قائمه به ایوان و محور اصلی آن راه می‌یابد. نما یا صفا جنوب غربی بنا که در اصل مدخل ایوان بوده و بعداً به وسیله دیواری مسدود شده است. جزئیاتی در دو طرف دارد که روی آنها یک سلسله نغول‌های مستطیل شکلی با طاق نوک‌تیز دیده می‌شود و بالای این نغول‌ها، پنجره است. این سطوح، دارای پوشش گچبری تزیینی بوده است بعضی قسمت‌ها

پوششی از کاشی صلیبی و ستاره‌ای هشت گوش به رنگ آبی و نیلی داشته است. طاق ایوان، نوک‌تیز است و انحناى داخلی آن و فاصله بین شانه طاق و قاب مستطیل شکل آن پوشش کاشی داشت. نمای خارجی دیوار جنوب غربی راهروی دخولی که نسبت به محور ایوان زاویه قائمه تشکیل می‌دهد ساده است سر در ورودی آن که در قسمت مشرق قرار دارد، دارای پایه‌ای از سنگ نتراشیده است و دیوار فوقانی از آجر است که روی آن سفیدکاری شده و بندکشی مصنوعی حک گردیده است سر در، شامل قبه ایوان است و بر سطوح دیوار جناحین آن، نغول‌هایی دارای قوس نوک‌تیز وجود دارد که با کاشی پوشیده شده بوده است. طاق ایوان، نوک‌تیز است و انحناى داخلی آن نیز همان پوشش را داشته است. دیوارهای کنار طاق نیز دارای نغول‌هایی با پوشش و تزئین گچبری است. نمای جناح جنوب شرقی بنای اصلی، دیوار کوتاهی دارد که در مقابل بدنه اصلی ساختمان بنا شده و به وسیله نیم ستون‌های شبه آجری جدا شده و بین آنها نغول‌های فرورفته دارای پوشش کاشی قرار دارد. دو دهنه که در این دیوار کنده شده بوده اکنون مسدود است.

سه دهنه دارای قوس طاق نوک‌تیز در دیوار ساختمان اصلی است که بالا و پشت آن قرار دارد و دو دهنه آنها اکنون مسدود است. در سطح طبقه سوم، چهار پنجره مشابه است که اکنون مسدود است. این پنجره‌ها قبلاً از همه طرف پوشش کاشی داشته است. در نمای عقب (شمال شرقی) ساختمان اصلی، شبستان گنبدداری که دیوارهای خارجی آن ساده و فعلاً گل‌اندود است در مقابل سطح طبقه اول بنا قرار دارد.

سطح طبقه دوم؛ پنجره بزرگی با قوس نوک‌تیز دارد و در طرفین آن، دو پنجره کوچک‌تر است که اکنون مسدود هستند. طبقه سوم؛ مانند نمای جنوب شرقی و شمال غربی است به جز آنکه دهنه‌ای با طاق نیمه مدور در مرکز آن قرار دارد.

در انتهای راست (شمالی) این دیوار بقایای دهنه‌ای است که طاقی نوک‌تیز داشته است. در گوشه ساختمان اصلی، ولی نه متصل بدان، ساختمان کوچک بلند مستطیل شکلی است که دو یا سه طبقه داشته و از آجر ساخته شده و در طبقه دوم آن، دهنه دارای طاق نوک‌تیز است. نمای جناح شمال غربی طبقه اول دارای سه دهنه است که نسبت به محور طولی ایوان زاویه قائمه تشکیل می‌دهند. این دهنه‌ها تا نقطه‌ای درست زیر پنجره‌های طبقه دوم می‌رسیده است. اکنون پنجره‌های طبقه دوم مسدود گردیده‌اند.

راهروی داخلی بنا، از راه‌ای به بلندی $1/08$ متر دارد که با کاشی پوشیده شده بوده است. دیوارهای فوقانی، با طرح شبه آجری پوشیده شده است. راهرو دارای سه دهنه است که با میله متقاطع نگاه داشته شده است و پوشش کاشیکاری زیر طاق را حفظ می‌کند. در انتهای راهرو، مدخل ایوان قرار دارد که به صورت سر در دارای طاق نوک تیز است و بالای آن، کتیبه‌ای مورخ (۷۰۳ هجری) است و بالای آن، حاشیه‌ای با پوشش کاشی است و همه این دستگاه، در داخل فرو رفتگی طاق‌داری قرار دارد که روی آن، مقرنس کاری گچی دیده می‌شود. قابی از پوشش کاشی، دور فرو رفتگی ساخته شده است. این سر در به ایوان منتهی می‌شود. بر صفحه دو طرف آن، حاشیه‌ای نزدیک کف به ارتفاع $1/34$ متر با پوشش کاشی وجود دارد که بالای آن کتیبه‌ای گچی است. دیوارهای فوقانی، با طرح شبه آجری سفیدکاری شده است.

سطح طبقه اول، دو نغول فرو رفته گود در هر سمت دارد که در اصل، سوراخ و باز بوده است. در دهنه اول، محراب کوچکی در سمت شمالی ایوان ساخته شده است.

در حالی که دهنه قرینه جنوبی، کتیبه‌ای دارد که تاریخ آن (۷۱۲ هجری قمری) است. بالای هر فرو رفتگی سطح طبقه دوم، دهنه طاق‌داری بوده که اکنون مسدود شده و بالای آن، حاشیه عریضی با پوشش کاشی‌کاری تا پایه طاق ایوان امتداد یافته است دیواری که دهنه ایوان را مسدود کرده است محراب گچبری زیبایی چند رنگی دارد که از فرو رفتگی نیم دایره دارای طاق نوک‌تیز با یک طاق دیگر نوک تیز ترکیب شده است که دور هر کدام را قاب گرفته و دور همه دستگاه، چند قاب مستطیل شکل دارای گچبری مقعر و بالای آن، گلیوی بلند قرار دارد. دیوارهای طرفین، پوشش کاشیکاری داشته‌اند و بالای آن، دیوارهای از کاشی‌های سوراخدار با تزئین قالب برجسته دیده می‌شود. اتاق گنبددار حرم، مربع است و دیوارهای گلی آن با گچ چند رنگه روکش شده است. در زوایای اتاق، قوس‌های نوک تیز مقدماتی زده شده و گنبد آجری بیضی شکلی که دارای طرح آجرچینی به شکل دایره‌های هم مرکز است بر روی آنها قرار گرفته است. در قسمت عمده ساختمان به جای آجر، سنگ به کار رفته و دیوارها از سنگ ناصاف و آهک خاکستری رنگ سخت ساخته و روکش شده است.

صحن بقعه پیر بکران، محوطه محصور و مسقف کوچکی است که از سه جانب شرقی و غربی و شمالی مسدود است و فقط از قسمت فوقانی جانب جنوبی که محراب عالی گچبری آن در این قسمت مرتفع است، با خارج ارتباط دارد. ضلع شرقی بقعه دارای دو جرز و یک ایوان کوچک است. در پایین جرز دوم، تخته سنگی وجود دارد که به حال طبیعی در این محل باقی مانده و در داخل آن فرو رفتگی مشاهده می‌شود و عامه مردم آن را جای پای «دلدل» و بعضی هم جای پای اسب «الیاس» می‌دانند. ضلع غربی صحن بقعه، قرینه ضلع شرقی است و دو جرز و یک طاق‌نما در وسط دارد بر جرز جنوبی ضلع غربی، به خط بنایی بر زمینه شطرنجی عبارت «وعلی» گچبری شده است. در ضلع جنوبی صحن مسقف بقعه، محراب بزرگی گچبری شده است آرایش این محراب، تزئینات گل و بوته و شاخ و برگ و خطوط کوفی و ثلث است. در ضلع شمالی صحن، مدفن پیر بکران قرار دارد که با تزئینات کاشی‌کاری و گچبری مزین شده است. همان‌گونه که پیش‌تر عنوان گردید؛ شیخ بکران نقطه‌ای را در مجاورت گنبد فعلی برای تدریس انتخاب کرده بوده که بعد از گسترش کلاس او تصمیم گرفته‌اند ایوانی برای حفاظت مدرس و شاگردان ساخته شود به نظر می‌رسد قبل از آنکه تزئینات ایوان به پایان رسد، شیخ وفات یافته و ایوان به مقبره وی مبدل گردیده است. برای این کار قبر او در عقب ایوان قرار داده و در انتهای باز ایوان، دیواری شامل محراب ساخته و مدخل مخصوص برای آن فراهم آوردند (ملازاده، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۲-۲۷، جوادی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۶۷۱-۶۷۳)

۸. تزئینات بقعه پیر بکران

بقعه پیر بکران، نمونه گویایی از بناهای تک ایوانی یادآور طاق کسری است. آرایش مفصل آن شامل کاشی ظریف و گچبری‌های پرمایه است که گاه بر اثر نا هم آسیب دیده است (پوپ، ۱۳۸۵: ۱۸۳). در تزئینات بقعه پیر بکران دقت و توجه بسیاری مبذول گشته است سطوح دیوار داخلی که اهمیت بیشتری داشته با پوشش کاشی یا گچبری عالی پوشانیده شده و آن‌هایی که از لحاظ اهمیت در

درجه دوم هستند سفیدکاری شده و طرح آجرچینی روی آن‌ها نقش گردیده است. گچبری‌های برجسته، به‌خصوص در قسمت محراب با مهارت و تنوع زیاد ساخته شده است. در بنا کاشی‌های لعابی نیلی و آبی به ابعاد و اشکال مختلف و ترکیبات متعدد به کار رفته است. کاشی‌های ستاره‌ای و صلیبی که معمولاً برای پوشش ازاره‌های اتاق استعمال می‌شده، در اینجا در قسمت فوقانی دیوار داخلی و خارجی به کار می‌رفته است. برای تزیین دیوار، تیغه کاشی‌های بزرگ هشت گوش که در مرکز، دهانه مدور دارند مصرف شده و برای قالب‌سازی افقی کاشی‌های مستطیلی شکل که با شکل برجسته عنقای چینی تزیین شده به کار رفته است.

۹. کتیبه‌های گچبری در بقعه پیر بکران

کتیبه سر در صحن بقعه به خط ثلث بر زمینه گل و بوته و برگ بدین شرح گچبری شده: «هذه العمارة المباركة الشيخ المشايخ المسلمين محمد بن بکران فی ثلث و سبعمائه»

کتیبه اطراف صحن بقعه، در دو سطر و به ارتفاع تقریبی ۱/۵ متر از سطح بقعه واقع شده: در سطر نخست آیت الکرسی تا «والله سمیع علیم» به خط بنایی گچبری شده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤوده حفظهما وهو العلي العظيم لا اكرهه في الدين قد تبين الرشد من الغي فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله سميع علیم»

در پایان آن چنین است: «صدق الله العظيم و صدق رسول الكريم و نحن على ذلك من الشاهدين والحمد لله رب العالمين»

در سطر دوم کتیبه، آیاتی از سوره دهر به خط ثلث درشت گچبری شده و پایان آن که در ضلع غربی ایوان است چنین است: «و يطعمون الطعام على حبه مسكينا و يتيماً و اسيراً صدق الله عمل محمد شاه نقاش»

ضلع شرقی بقعه نیز دارای خطوط و تزیینات گچبری است به این ترتیب که ضلع مزبور دارای دو جرز و یک ایوان کوچک است. بر جرز اول نام «ابوبکر» به خط بنایی بر زمینه شطرنجی در اشکال مربع به طور مکرر گچبری شده است بر جرز دوم کلمه «و عمر» به خط بنایی به زمینه شطرنجی و داخل مربع‌های بزرگ، و در پایین جرز مزبور، به خط بنایی ساده برجسته از آجر، صلوات بر چهارده معصوم گچبری گردیده است. میان دو جرز ضلع شرقی در یک طاق‌نما یا ایوان کوچک این عبارت به خط کوفی گچبری شده: «بسم الله الرحمن الرحيم سبحان الذي الباقي»

بر طرف جنوبی آن به خط ثلث چنین گچبری گردیده است: «هذه الصفة المباركة الشيخ المشايخ المسلمين قدوة ارباب المحققين محمد بن بکران قدس الله روح العزيز سنة اثني عشر و سبعمائه»

بر جرز شمالی ضلع مزبور عبارت «و عثمان» به خط بنایی بر زمینه شطرنجی و داخل یک مربع بزرگ گچبری شده و در بالای آن در یک صفحه مربع به خط بنایی ساده با آجر اسماء جلاله گچبری